



Historical Geography of Makran in the Safavid Period According to the Historical Maps of Europeans

Abdollah Sfarzaei¹

Assistant Professor of History, University of Velayat, Sistan and Baluchestan, Iran.

Yasser Mallaei

Ph.D. Candidate in History, University of Tehran, Tehran, Iran.
(95-118)

Abstract

One of the consequences of the expansion of Iran-Europe relations in the Safavid period was the drawing of maps of Safavid Iran by European cartographers. In the era of European geographical explorations and multilateral relations with Iran, European cartographers, in addition to drawing global, Asian and even regional maps, also drew specific maps of Iran. The drawing of various maps by Europeans of Safavid Iran along with specifying details in the maps shows the location and characteristics of each of the Iranian states in that period. One of the most important states of Iran in the Safavid period was Makran province in southeastern Iran. Makran was important because of its connection with the sea and also as a bridge between Iran and its eastern neighbors, especially India, and was considered by European cartographers. Given that in the historical and geographical sources left from the Safavid period, brief descriptions of Makran remain, and on the other hand, European cartographers drew the map of this state with minor political, natural, human, etc. phenomena, the analysis of Makran historical geography in this The maps are worth discussing. The purpose of this article is to explain the historical geography of Makran in the Safavid period based on historical maps of Europeans from that period, which has been written in a historical way by extracting information from maps and library sources.

Keywords: Historical geography, Makran, Safavid, cartographers, European.

1. Email of the corresponding author: a.safarzaie@velayat.ac.ir

جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی بر اساس نقشه‌های تاریخی

اروپاییان

عبداله صفرزایی^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه ولایت، سیستان و بلوچستان، ایران.

یاسر ملازئی

دانشجوی دکتری رشته تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

علمی - پژوهشی

چکیده

یکی از پیامدهای گسترش مناسبات ایران و اروپا در دوره صفوی، ترسیم نقشه‌های ایران در دوره صفوی توسط نقشه‌نگاران اروپایی بود. نقشه‌نگاران اروپایی در عصر اکتشافات جغرافیایی و مناسبات چندجانبه اروپاییان با ایران، علاوه بر ترسیم نقشه‌های جهانی، آسیایی و منطقه‌ای، به ترسیم نقشه‌های اختصاصی از ایران نیز پرداختند. ترسیم نقشه‌های متعدد توسط اروپاییان از ایران در دوره صفوی به همراه مشخص نمودن جزئیات در نقشه‌ها، موقعیت و مشخصات هر یک از ایالات ایران در آن دوره را نمایان می‌سازد. یکی از ایالات مهم ایران در دوره صفوی، ایالت مکران در جنوب شرق ایران بود. مکران به دلیل پیوند با دریا و همچنین به مثابه پل ارتباطی ایران با همسایگان شرقی به ویژه هند، اهمیت داشت و مورد توجه نقشه‌نگاران اروپایی قرار گرفته بود. نظر به اینکه در منابع تاریخی و جغرافیایی بازمانده از دوره صفوی، توصیفات مختصری از مکران باقی‌مانده و از طرفی نقشه‌نگاران اروپایی نقشه این ایالت را با پدیده‌های جزئی سیاسی، طبیعی، انسانی و غیره ترسیم نمودند، واکاوی جغرافیای تاریخی مکران در این نقشه‌ها جای بحث و بررسی دارد. هدف این نوشتار تبیین جغرافیای تاریخی مکران در دوره صفوی بر اساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان از آن دوره است که به روش تاریخی و با استخراج اطلاعات از نقشه‌ها و همچنین منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای تاریخی، مکران، صفوی، نقشه‌نگاران، اروپایی.

۱. مقدمه

با روی آوردن اروپاییان به اکتشافات جغرافیایی و دور زدن قاره آفریقا از مسیر آب‌های اقیانوسی و ورود به سرزمین‌های آسیایی در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی، فصل جدیدی در مناسبات شرق و غرب در آن روزگار گشوده شد. هم‌زمان با آن درگیری‌ها و اختلافات اغلب دول اروپایی با عثمانی و همچنین اختلافات ایران و عثمانی، باعث شد مناسبات متعدد و دامنه‌داری در ابعاد سیاسی، تجاری، فرهنگی و غیره میان ایران و دول مختلف اروپایی برقرار شود. در جریان این رویکردها، مناسبات و تداوم آن‌ها، اروپاییان

نقشه‌های متعددی اعم از نقشه‌های جهانی، آسیایی، منطقه‌ای و به خصوص نقشه‌های اختصاصی از ایران ترسیم نمودند. نقشه‌های ترسیمی اروپاییان از ایران دوره صفوی از قرن شانزدهم آغاز و در قرون هفدهم و هجدهم با دقت و تعداد بیشتری تداوم پیدا نمود. دقت نقشه‌نگاران در ترسیم موارد کلی و جزئی در موضوعات متعدد: سیاسی، جغرافیایی، انسانی و غیره، باعث شد اطلاعات نفیسی از ایران آن دوره در نقشه‌ها ثبت شود. این اطلاعات ثبت‌شده در نقشه‌های اروپایی، برای ایالت‌های مرزی و دور از مرکز صفویان که در منابع آن دوره کمتر توصیف شدند، ارزش دوچندانی دارد. یکی از ایالت‌های مرزی مهم دوره صفوی در جنوب‌شرق ایران، ایالت مکران بود. این ایالت علاوه بر وسعت گسترده و پل ارتباطی ایران و هند، از ایالت‌هایی بود که ساکنان آن تماس مستقیم با استعمارگران اروپایی به خصوص پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها در آن دوره داشتند. ارزش و اعتبار علمی اطلاعات ارائه‌شده در نقشه‌های اروپایی و اهمیت ایالت مکران در آن دوره، این قابلیت را دارد تا مسائل تاریخی، جغرافیایی و انسانی مکران در آن دوره بر اساس این نقشه‌ها مورد واکاوی قرار گیرد. اطلاعات قابل توجهی در زمینه مسائل سیاسی، اداری، مرزی، طبیعی، راه‌ها، شهرها، بندرها، اقتصادی، انسانی و غیره در این نقشه‌ها ارائه‌شده که بررسی تاریخ و جغرافیای مکران در این نقشه‌ها بر غنای تحقیقات مکران‌شناسی در آن دوره می‌افزاید. پژوهش‌های متعددی در حوزه مکران‌شناسی در دوره صفوی صورت گرفته، اما بخش بزرگی از ابعاد تاریخی و جغرافیایی مکران در آن دوره همچنان تاریک است. یکی از تحقیقات انجام‌شده درباره مکران در دوره صفوی، پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان: «جغرافیای تاریخی مکران از صفویه تا قاجاریه» است که توسط زهرا کوروشی احسن نگاشته شده است. پایان‌نامه دیگری نیز با عنوان: «اوضاع سیاسی و اجتماعی بلوچستان در دوره صفوی ه» در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی توسط عبدالصمد شهلای بر نوشته شده است. تحقیقات انجام‌شده درباره مکران در دوره صفوی، از نقشه‌های تاریخی اروپایی هیچ استفاده‌ای ننمودند. آنچه موضوع، مسئله و رویکرد مقاله حاضر را با پژوهش‌های صورت گرفته متفاوت می‌سازد، کاربرد نقشه‌های تاریخی در تحلیل و بازنمایی تاریخ و جغرافیای مکران در دوره صفوی است. با توجه به عدم انعکاس اطلاعات تاریخی و جغرافیایی کافی از مکران در متون دوره صفوی و همچنین وجود اطلاعات تاریخی و جغرافیایی متنوع از

مکران در نقشه‌های تاریخی اروپاییان، هدف این مقاله استخراج اطلاعات تاریخی و جغرافیایی مکران از نقشه‌های تاریخی اروپاییان و تبیین آنهاست. از این رو، ابتدا به معرفی مختصر نقشه‌ها پرداخته‌شده، سپس نام‌شناسی و حدود و ثغور مکران در این نقشه‌ها تبیین شده است. در ادامه جغرافیای طبیعی، شهرها و بندرها و جغرافیای انسانی مکران در دوره صفوی بر اساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان، مشخص شده است.

۲. اشاره‌ای به نقشه‌های نقشه‌نگاران اروپایی از ایران دوره صفوی

سابقه برقراری مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران و اروپا از پیشینه طولانی برخوردار است، اما در دوره صفوی آن و هم‌زمانی آن با تلاش دول اروپایی برای کشف مسیرهای ارتباطی جدید در شرق، فصل جدیدی در مناسبات ایران و اروپا آغاز شد. با گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و اروپا، رفت‌وآمد اروپاییان به ایران در قالب سیاحان، سفیران و تاجران بیشتر شد و یکی از مهم‌ترین نتایج آن کسب اطلاعات تاریخی و جغرافیایی از ایران دوره صفوی بود (Alai, 2010: 47). نمایندگان سیاسی، سیاحان و تاجران اروپایی ضمن کسب آگاهی درباره راه‌ها، کوه‌ها، رودها، شهرها، روستاها، خلق و خوی مردم، اوضاع دربار و اقتصاد کشور، به نقشه‌برداری و مساحی از ایران نیز پرداختند (حائری، ۱۳۹۴: ۱۴۴). ترسیم نقشه از ایران دوره صفوی از قرن شانزدهم میلادی در دستور کار نقشه‌نگاران اروپایی قرار گرفت. به نظر می‌رسد نخستین نقشه‌های ترسیمی اروپاییان از ایران دوره صفوی بر اساس مطالعات نقشه‌نگاران در منابع جغرافیایی قدیم و اطلاعات تاریخی و غیره ترسیم شده است. در قرون هفدهم و هجدهم میلادی نقشه‌نگاران علاوه بر مطالعات منابع جغرافیایی و تاریخی، از داده‌های سیاحان، سفیران و تاجران اروپایی که مستقیماً مناطق متعدد ایران را به چشم دیده بودند، نیز استفاده می‌کردند. از این رو، روند ترسیم نقشه‌نگاری از ایران دوره صفوی در قرون هفدهم و هجدهم میلادی از چارچوبی منسجم همراه با اطلاعات و داده‌های تاریخی و جغرافیایی دقیق‌تر برخوردار شد. از نظر دسته‌بندی، ایران دوره صفوی در قالب چهار دسته از نقشه‌های اروپایی بروز و ظهور یافته است. علاوه بر نقشه‌های جهانی، نقشه‌های آسیایی و نقشه‌های منطقه‌ای، آنچه بسیار مهم است، ترسیم نقشه‌های اختصاصی از ایران آن دوره توسط اروپاییان بود. نقشه‌های ترسیمی اروپاییان از قلمرو صفویان دارای حجم گسترده‌ای از اطلاعات تاریخی و جغرافیایی درباره ایران در آن زمان بود. ترسیم مرزهای ایران با همسایگان، مرزبندی ایالت‌های ایران، موقعیت جغرافیایی شهرها و آبادی‌ها و حتی مناطق روستایی، موقعیت و ترسیم راه‌ها،

رودها، کوه‌ها، بیابان‌ها، اطلاعات جمعیتی و غیره از مهم‌ترین اطلاعات تاریخی و جغرافیایی نقشه‌های اروپایی از ایران دوره صفوی است. علاوه بر این، نقشه‌نگاران برای نمایاندن اهمیت سیاسی، نظامی و یا اقتصادی هر شهر یا آبادی، از علائم و نشانه‌های خاصی به شکل قلعه، پایگاه و غیره به صورت دایره توصیف و ترسیم نموده‌اند. در میان ایالات مختلف ایران در دوره صفوی، ایالت مکران در جنوب‌شرق ایران از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. داشتن سواحل گسترده با آب‌های آزاد، داشتن موقعیت جغرافیایی خاص به مثابه پل ارتباطی ایران و هند در آن دوره، حضور استعمارگران اروپایی در هند و همچنین سواحل جنوبی ایران و زدوخوردهای آنان با ساحل‌نشینان جنوبی و موارد متعدد دیگر، از موقعیت‌های خاص مکران در آن دوره بود. با توجه به دوری مکران از مراکز حکومتی دوره صفوی و مسائل دیگر، اوضاع تاریخی و جغرافیایی مکران در منابع دوره صفوی بازتاب چندانی نداشته، لذا بررسی جغرافیای تاریخی مکران در نقشه‌های متعدد اروپاییان، قابلیت واکاوی دارد. از آنجا که حجم نقشه‌های اروپاییان درباره ایران در دوره صفوی از نظر تعداد زیاد بوده و از طرفی اطلاعات موجود در برخی از نقشه‌ها مشابه است، در این نوشتار تنها چهارده نمونه از نقشه‌های تاریخی اروپاییان مورد استفاده قرار گرفته است. در بین نقشه‌های قرن شانزدهم از دو نقشه استفاده شده که توسط آبراهام اورتلیوس (Abraham Ortelius) هلندی و آنتونیو ماجینی (Antonio Magini) ایتالیایی، ترسیم شده‌اند. در بین نقشه‌های قرن هفدهم از پنج نقشه استفاده شده که توسط نیکولاس سانسون (Nicolas Sanson) فرانسوی، فیلیپیوس کلوریوس هلندی، هرمان مل (Herman Moll) انگلیسی، جانسنیوس (Johannes Janssonius) و کائیریوس (Petrus Kaerius) هلندی و ریچارد بلوم (Richard Blome) انگلیسی ترسیم شده‌اند. در بین نقشه‌های قرن هجدهم از هفت نقشه استفاده شده که توسط جرج متئوس (Georg matthaus Seutter) آلمانی، نیکولاس دی فر (Nicolas de Fer) فرانسوی، جان سنکس (John Senex) انگلیسی، گیوم دولیل (Guillaume Delisle) فرانسوی و شاتلان هنری (Chatelan Henri) هلندی ترسیم شده‌اند.

۳. نام‌شناسی مکران

نخستین اشارات مستقیم به نام این ایالت در متون نوشتاری، به منابع یونانی و کتیبه‌های هخامنشی باز می‌گردد. در کتیبه‌های متعدد هخامنشی تحت عنوان مکا از این ایالت یاد شده و در متون یونانی آن زمان از جمله در تاریخ هرودوت به عنوان سرزمین میکی‌ها یاد شده است (هرودوت، ۱۳۸۶: ۳/۱۹۲). برخی از جغرافی‌نویسان یونانی، بخش شمالی این

ایالت را گدروزیا می‌نامیدند (استرابو: ۱۳۸۲: ۳۰۷). برای نخستین بار در کتیبه شاپور ساسانی بر دیوار کعبه زرتشت از این ایالت با عنوان: مَکْران (Mkwran) یاد شده است (اکبرزاده، ۱۳۸۲: ۴۲). پس از آن به طور گسترده جغرافی‌نویسان مسلمان آن را مَکْران، مکوران و مَکْران نامیده‌اند.

تحلیل و بررسی نام‌شناسی مکران در نقشه‌های تاریخی اروپاییان نشان می‌دهد که نقشه‌نگاران از دو جای نام برای شناسایی این منطقه استفاده نموده‌اند: جای نام اول اصطلاح مکران است که در نقشه‌های تاریخی با الفاظ مختلفی کاربرد داشته است. به عنوان مثال: می‌توان به الفاظ مَکْران (کد ۱)، مَکِران (کد ۲)، مِکِران (کد ۳)، مَکْران (کد ۵) و مَکِرُن (کد ۶) اشاره کرد. کاربرد الفاظ مختلف مکران در نقشه‌های تاریخی حاکی از وجود تنوع آواشناسی نام مکران در تصور نقشه‌نگاران اروپایی بوده است. تنوعی که به جز نقشه‌ها در دیگر منابع جغرافیایی و تاریخی طی سالیان متمادی بازتاب یافته و دچار تغییر و تحول می‌شد. به عنوان مثال: ابوالفداء در قرن هشتم هجری، در باب تلفظ مکران نوشته: «مکران به ضم میم و سکون کاف و فتح راء بی نقطه و الف و نون» (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۶۹).

جای نام دوم برای شناسایی منطقه مکران در نقشه‌های تاریخی اروپایی، استفاده از اصطلاح گدروزیا (Gedrosia) است (کد ۴ و ۵). در گزارش‌های مورخان رومی و یونانی از مکران تحت عنوان سرزمین اوریتی‌ها، ایختوفاکیه و گدروزیا یاد شده است. اوریتی و ایختوفاکیه در موازات سواحل اقیانوس هند و دریای عمان به ترتیب در شرق اوریتی و در غرب ایختوفاکیه بودند. گدروزیا در بخش شمالی ایختوفاکیه تا کرمانیا و درنگانیا یعنی سیستان بعدی امتداد داشت (استرابو: ۱۳۸۲: ۳۰۶-۳۰۸). کاربرد نام گدروزیا برای ایالت مکران در منابع دوره صفوی، مرسوم نبود. بکار بردن این واژه توسط نقشه‌نگاران ناشی از این است که توصیفات و تصورات منابع یونان و روم باستان به خصوص بطلمیوس در دوره اکتشافات جغرافیایی و عصر رنسانس در اروپا مورد استقبال و استفاده نقشه‌نگاران اروپایی قرار گرفته بود (گنجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸). علاوه بر این، به گزارش تاورنیه به علت عدم آگاهی سیاحان و سفرنامه‌نویسان اروپایی و همچنین معاشران ایرانی‌شان از خصوصیات ایالتی ایران در دوره صفوی، آن‌ها از اطلاعات جغرافیایی قدیم در توصیف مناطق متعدد ایران استفاده می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۵۷).

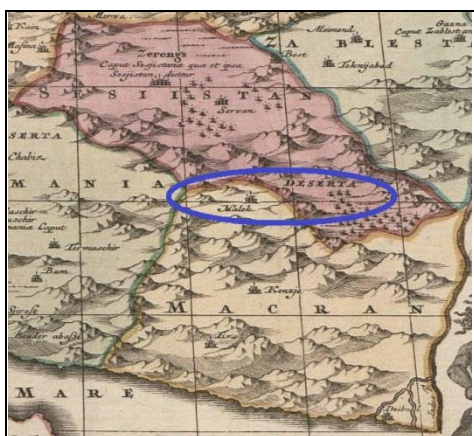

کد	نام مکران	مکتب نقشه‌نگاری	مأخذ
۱		ایتالیایی	گنجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۶
۲		فرانسوی	Alai, 2010: 101
۳		آلمانی	وثوقی و صفت‌گل، ۱۳۹۶: ۳/۷۷۶
۴		هلندی	گنجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۷۶
۵		ایتالیایی	Davidrumsey.com
۶		فرانسوی	Alai, 2010: 87

۴. حدود و مرزهای مکران

در تعیین حدود و مرزهای ایالات در طول تاریخ، معمولاً دو چالش اساسی وجود دارد. یکی اینکه حدود و ثغور ایالات به خاطر تقسیمات سیاسی، اداری، جغرافیایی و غیره در طول تاریخ دچار تغییر و نوسان بوده‌اند. دوم اینکه برخی از ایالات که از لحاظ داخلی حداقل به دو یا سه بخش عمده تقسیم می‌شدند، در هر بُرهه از تاریخ نام یکی از بخش‌ها به عنوان نام کل ایالت عمومیت می‌یافت. مکران نیز از این دو قاعده مستثنی نیست. مکران در طول تاریخ به پهنه وسیعی از جنوب شرق ایران و سواحل دریای عمان اطلاق می‌شد که از غرب با کرمان، از شمال با سیستان از جنوب با دریا و از شرق با ایالت سند هم‌مرز بود. از دوره صفوی و به خصوص در دوره افشار وجه‌تسمیه این ایالت به اقوام ساکن آن منطقه یعنی؛ بلوچستان تغییر نام یافت. از این دوره به بعد، مکران به عنوان


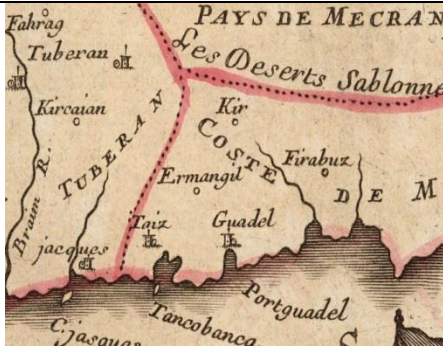
جزئی از بلوچستان شناخته شد و به تدریج دایره نام‌گذاری آن از لحاظ جغرافیایی محدودتر شد. امروزه مکران به محدوده‌ای از جنوب بلوچستان اطلاق می‌شود که از شمال به سراوان و بمپور، از جنوب به دریای عمان، از مشرق به کلات (در پاکستان) و از طرف مغرب به بشاگرد محدود است (فروزانی، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۵).

یکی از نکات قابل توجه در نقشه‌های اروپاییان تعیین حدود و ثغور مکران در دوره صفوی است. در تمامی نقشه‌های اروپایی منطقه مکران در حدود شمالی با سیستان پیوند یافته است. نقشه‌نگاران اروپایی در توصیف پیوند مکران با سیستان، از دو الگوی متفاوت پیروی کردند. نقشه‌نگاران اولیه، مکران و سیستان را در یک دایره ایالتی قرار داده‌اند. به عنوان مثال: سانسون فرانسوی در نقشه‌ای از قلمرو ایران عصر صفوی که در سال ۱۶۵۲ م. در پاریس چاپ شده، مکران را در پیوند با سیستان توصیف کرده است (نقشه شماره ۱). احتمالاً در تصور این دسته از نقشه‌نگاران، مکران و سیستان در ساختار اداری و ایالتی ایران دوره صفوی با یکدیگر اداره می‌شدند. در نقشه‌های بعدی اروپایی، سیستان و مکران به عنوان دو ایالت جداگانه با استفاده از علائم و نشانه‌های مرزی از یکدیگر جدا نشان داده شده‌اند. به عنوان مثال: جرج متئوس آلمانی، در نقشه‌ای از ایران که در سال ۱۷۲۰ م. به چاپ رسیده، منطقه جالق (Halek/Malek) و همچنین یک محدوده بیابانی را به عنوان حد شمالی مکران در پیوند با سیستان در نظر گرفته است (نقشه شماره ۲).

	
<p>نقشه شماره ۲ - موقعیت مکران با سیستان نقشه جرج متئوس (Georg matthaus) آلمانی (Alai, 2010: 146)</p>	<p>نقشه شماره ۱ - موقعیت مکران با سیستان نقشه نیکولاس سانسون (Nicolas Sanson) فرانسوی (Alai, 2010: 101)</p>

گزارش‌های متون جغرافیایی و تاریخی در حدود غربی مکران حاکی از نوعی درهم تنیدگی بین مکران با کرمان است. مستوفی در قرن هشتم هجری، مکران را داخل عمل کرمان معرفی کرده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۷۲). پیتر دلاواله نیز معتقد است که مکران جزئی از کرمان قدیم بوده است (دلاواله، ۱۳۸۴: ۲۸۱). حتی شاهان صفوی برای اداره مکران تلاش می‌کردند تا از طریق کرمان به این مهم دست پیدا کنند (مستوفی بافقی، ۱۳۹۶: ۳۵۸). البته در نقشه‌های تاریخی اروپاییان، کرمان و مکران به صورت دو ایالت جداگانه معرفی شدند (نقشه شماره ۳).


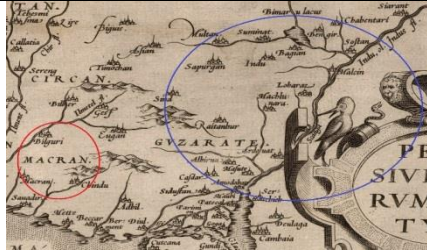
مکران در جنوب با دریای عمان پیوند می‌یافت. در نقشه‌های تاریخی غربی‌ترین نقطه پیوند مکران با دریا، بندر تیس در نظر گرفته شده و شرقی‌ترین آن تا نزدیکی‌های بندر تته در غرب رود سند امتداد داشت (نقشه شماره ۴). این موقعیت جغرافیایی به وضوح در نقشه‌های تاریخی اروپاییان نمایان هست. مستوفی بافقی از جغرافی نگاران دوره صفوی نیز امتداد مرز شرقی مکران تا تته را تأیید کرده است (مستوفی بافقی، ۱۳۹۶: ۳۵۷). تشابه توصیفات برخی از نقشه‌نگاران با بعضی از منابع دوره صفوی نشان می‌دهد که به تدریج اطلاعات دقیقی درباره مکران در جغرافیای ذهنی نقشه‌نگاران اروپایی در حال شکل‌گیری بود.

	
<p>نقشه شماره ۴ - موقعیت مکران با دریا نقشه جان سنکس (John Senex) انگلیسی (Davidrumsey.com)</p>	<p>نقشه شماره ۳ - موقعیت مکران با کرمان نقشه نیکولاس دی فر (Nicolas de Fer) فرانسوی (Davidrumsey.com)</p>

حدود شرقی مکران در تصور نقشه‌نگاران اروپایی از قرن شانزدهم به قرن هجدهم میلادی پیوسته در حال دگرگونی و نوسان بود. این دگرگونی در منابع جغرافیایی و

تاریخی قبل از صفوی نیز قابل جستجو است. به عنوان مثال: در منابع دوره ساسانی و سده‌های نخست اسلامی از قصدار به عنوان مرکز ایالت توران در شرق مکران به عنوان ایالتی جدای از مکران یادشده (اکبرزاده، ۱۳۸۲: ۴۲؛ مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۰۰)، ولی در قرون بعدی قصدار جزو مکران و بلوچستان بعدی معرفی شده است. نوسان و دگرگونی مرزهای شرقی مکران، در جغرافیای ذهنی نقشه‌نگاران اروپایی در دوره صفوی نیز وجود داشته است. برای واکاوی چگونگی این تحول می‌توان نقشه‌های تاریخی را در قالب سه دسته از نقشه‌های قرن شانزدهم، قرن هفدهم و قرن هجدهم میلادی به ترتیب ردیابی کرد.

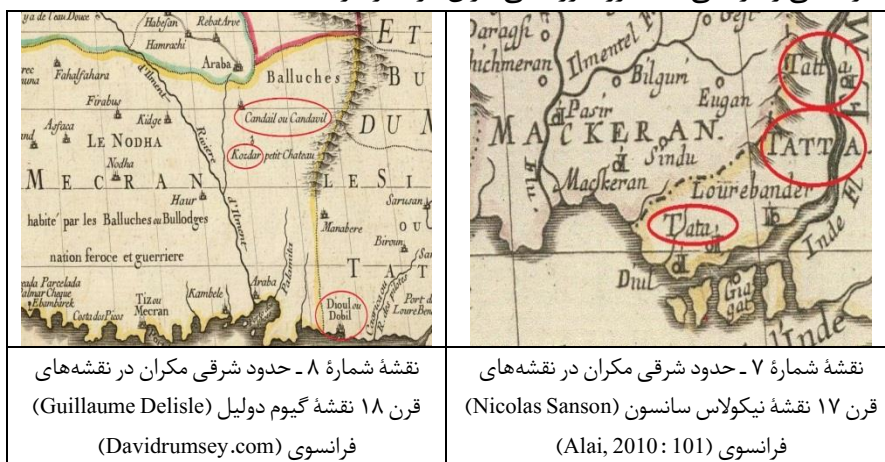
در نقشه‌های قرن ۱۶ م. نقشه‌نگاران با استفاده از یک رویکرد ذهنی و بدون استفاده از علائم و نشانه‌های مرزی، حدود شرقی مکران و به عبارتی مرزهای ایران با هند را تا رود سند به عنوان یک مرز طبیعی در نظر گرفتند. بر این اساس حدود شرقی مکران به مثابه مرزهای ایران و هند در نظر گرفته شده بود و تا محدوده سند امتداد پیدا می‌کرد. اورتلیوس هلندی، در نقشه‌ای از ایران عصر صفوی که در سال ۱۵۷۰ م. در آمستردام چاپ شده، در حوزه شرق و جنوب شرقی به طور مرتب توصیفات را در باب آبادی‌ها و شهرهای مختلف تا رود سند ارائه نموده، اما در آن سوی رود سند اطلاعاتی ارائه ننموده است (نقشه شماره ۵). ماجینی ایتالیایی، در نقشه‌ای از ایران صفوی که در سال ۱۵۹۶ م. در ونیز چاپ شده، رود سند را به عنوان آخرین نقطه قلمرو ایران در جبهه هند توصیف کرده است. این تصور مرزی از جنوب کوه‌های هندوکش که رود سند از آن منشعب می‌شد آغاز و تا اقیانوس هند ادامه پیدا می‌کرد (نقشه شماره ۶).

	
<p>نقشه شماره ۶ - حدود شرقی مکران در نقشه‌های قرن ۱۶ نقشه آنتونیو ماجینی (Antonio Magini) ایتالیایی (گنجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۶)</p>	<p>نقشه شماره ۵ - حدود شرقی مکران در نقشه‌های قرن ۱۶ نقشه آبراهام اورتلیوس (Abraham Ortelius) هلندی (Davidrumsey.com)</p>

با وجود اینکه نقشه‌نگاران اروپایی قرن ۱۶ م. در توصیف و ترسیم ایالت مکران و مرزهای ایران و هند در دوره صفوی، از داده‌ها و اطلاعات جغرافیایی قدیم و تصورات بطلمیوسی استفاده نمودند، برخی روایت‌های تاریخی دوره صفوی مؤید اطلاعات ترسیم‌شده در

این نقشه‌هاست. به عنوان مثال: به گزارش تاریخ الفی در سال ۹۷۱ ق. در نقشه دوره شاه تهماسب صفوی حاکم تته و سیوی که از شرقی‌ترین شهرهای مرزی شرق مکران بودند، ایلچیان را به درگاه شاه فرستاد و اظهار انقیاد و اطاعت نمود (تتوی و آصف خان قزوینی، ۱۳۸۲: ۵۷۸۷). همچنین در سال ۱۰۳۳ ق. در زمان شاه عباس اول در جریان فتح بغداد، بسیاری از تفنگچیان بلوچ به فرماندهی ملک اختیارالدین مشارکت داشتند (سپاهی، ۱۳۸۵: ۳۱). برخی از نقشه‌نگاران اروپایی نیز اطلاعات‌شان را از سفرنامه مارکوپولو به دست آوردند. به عنوان مثال: می‌توان به گاستالدی از نقشه‌نگاران قرن شانزدهم ایتالیا اشاره نمود (Nordenskjöld, 1899: 396-406). توصیفات شاردن نیز می‌تواند گواهی باشد مبنی بر وجود تصویری کهن و تاریخی از مرزهای صفویان به ویژه در جبهه هند که در تصور اروپاییان رایج بوده است. در توصیف شاردن جغرافی‌دانان ایرانی کشورشان را بزرگ‌ترین امپراتوری روی زمین می‌دانستند، سرزمینی که شش رودخانه بزرگ فرات، ارس، دجله، فاز، آمودریا و سند در اطراف آن جریان دارند (شاردن، ۱۳۷۲: ۶۸۴/۲). در نقشه‌های قرن ۱۷ م. به نظر می‌رسد رویکرد باستانی در قبال حدود شرقی مکران و مرزهای ایران و هند که در نقشه‌های قرن ۱۶ م بازتاب یافته بود، در حال گذار به سمت رویکردی موجود و مشابه با مرزهای واقعی ایران و هند در دوره صفوی بود. از نمونه‌های برجسته این دسته از نقشه‌ها می‌توان به نقشه امپراتوری صفوی اشاره کرد که توسط سانسون فرانسوی ترسیم‌شده و در سال ۱۶۵۲ م. در این کشور به چاپ رسید. وی با استفاده از علائم و نشانه‌های مرزی که ترکیبی از خطوط مرزی و رنگ‌بندی است با توصیف سه جای‌نام با عنوان (Tatta) در حد فاصل رود سند تا مرزهای مکران، این منطقه را به عنوان حدود شرقی مکران و به مثابه مرز ایران و هند در جبهه مکران در نظر گرفته است (نقشه شماره ۷). در نقشه‌های تاریخی قرن ۱۸ م. ثبت جای‌نام‌های بیشتر در حدود شرقی مکران در امتداد مرزهای ایران و هند قابل مشاهده است. برای نمونه در نقشه ایران از گیوم دولیل فرانسوی در حدود شرقی مکران جای‌نام‌های قن‌دابییل و قصدار ثبت شده و سواحل مکران تا نزدیکی‌های بندر دیئل امتداد پیدا می‌کرد (نقشه شماره ۸). در مجموع تصور و آگاهی نقشه‌نگاران اروپایی درباره حدود شرقی مکران و در ابعادی گسترده‌تر مرزهای ایران و هند از قرن ۱۶ م به قرن ۱۸ م. از یک رویکرد باستانی به یک رویکرد موجود در حال تغییر بوده است. البته در تمامی نقشه‌های تاریخی اروپایی که طی




قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی از ایران عصر صفوی ترسیم‌شده، مکران در درون مرزهای قلمرو سرزمینی ایران توصیف و ترسیم‌شده و نقشه‌نگاران این ایالت را در پیوند جغرافیایی و تاریخی با قلمرو سرزمینی ایران در نظر گرفتند.



۵. جغرافیای طبیعی مکران

بر اساس گزارش‌های تاریخی، منطقه مکران از منظر جغرافیای طبیعی از گذشته‌های دور چندان مساعد توصیف نشده است. مورخان یونانی و رومی از قحطی، بی‌آبی و هوای گرم مکران یاد کرده‌اند. با این وجود از یک بارندگی سیل‌آسا هم‌زمان با عبور اسکندر از مکران خبر دادند که از مسیر یک رودخانه برایشان مشکلاتی بزرگ ایجاد کرده بود (دیودور سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۸۱؛ استرابو، ۱۳۸۲: ۳۰۸). اغلب منابع سده‌های نخستین اسلامی نیز از بیابانی بودن، کم‌آبی، قحطی در مکران سخن گفته‌اند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۴؛ مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۱۱؛ جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۳۶-۱۳۸). در منابع سده‌های نخست اسلامی نیز از یک رود بزرگ در جریان نبرد نیروهای بومی این منطقه با سپاهیان عرب مسلمان یاد شده است (طبری، ۲۰۰۵: ۵۵۵/۲). مورخان و جغرافی‌نویسان یونان و روم و همچنین سده‌های نخست اسلامی خودشان مستقیماً از مکران بازدید نکرده و بر اساس گزارش نظامیانی که به این منطقه آمده بودند، به توصیف این سرزمین پرداختند. گزارش نظامیان نیز بنا بر دلایلی از جمله بزرگ جلوه دادن فتوحات خودشان و توجیه کردن تلفات و ناکامی‌شان در این منطقه، اغراق‌آمیز است. در مجموع از این روایت‌ها چنین بر می‌آید که علی‌رغم بیابانی و کوهستانی بودن بخش‌هایی از منطقه و گرمای طاقت فرسا، رودهایی نیز در مکران جریان داشته است. منابع تاریخی و جغرافیایی دوره صفوی نیز تا حدودی همچنین چشم‌اندازی برای جغرافیای طبیعی مکران ارائه داده‌اند. مستوفی بافقی در دوره صفوی

کوه، رود و بیابان را به عنوان سه مشخصه جغرافیای طبیعی مکران در نظر گرفته است (مستوفی باقی، ۱۳۹۶: ۳۵۷). نقشه‌نگاران اروپایی نیز برای بازنمایی جغرافیای طبیعی مکران از سه پدیده طبیعی کوه، رود و بیابان با استفاده از علائم و نشانه‌های مرتبط با آن استفاده کرده‌اند. در بین سه پدیده طبیعی توصیف شده در مکران از منظر نقشه‌های تاریخی، پرتکرارترین آن استفاده از بافت ترسیمی کوه و نمایاندن مناطق کوهستانی مکران است. در بخشی از نقشه‌های تاریخی، نواحی کوهستانی مکران به صورت پراکنده نشان داده شده است (نقشه شماره ۹). برخی دیگر از نقشه‌نگاران، نواحی کوهستانی مکران را ناظر بر دو قسمت شرق و غرب آن توصیف نموده‌اند. آن دسته از نواحی کوهستانی که در شرق مکران توصیف شده، در برخی از نقشه‌های تاریخی بر روی خط مرزی قرار گرفته که در آن نقشه‌نگار برای انقطاع قلمرو صفویان و گورکانیان هند از آن استفاده نموده است (نقشه شماره ۱۰). به نظر می‌رسد نقشه‌نگاران از کوه به عنوان مرزی طبیعی برای تعیین مرزهای ایران و هند در جبهه مکران استفاده نموده‌اند. ناحیه کوهستانی که در غرب مکران توصیف شده در حد فاصل بین کرمان و مکران قرار دارد (نقشه شماره ۱۱). متون جغرافیایی نیز در مرز کرمان و مکران بر جبال قفص اشاره کرده‌اند که مکران در شرق آن و هرمز در غرب آن قرار داشته است (بکران، ۱۳۴۲: ۵۸). این ناحیه کوهستانی توصیف شده در متون جغرافیایی، با توصیفات برخی نقشه‌نگاران مطابقت دارد (نقشه شماره ۱۱).

مکران و کوه‌های آن		
		
نقشه شماره ۱۱ نقشه جانسنیوس (Johannes Janssonius) و کائیریوس (Kaerius) هلندی (Alai, 2010: 79)	نقشه شماره ۱۰ نقشه هرمان مل (Herman Moll) انگلیسی (Alai, 2010: 184)	نقشه شماره ۹ نقشه فیلیپیوس کلوریوس (Philippus Clavius) هلندی (کنجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

پدیده طبیعی دیگری که توسط نقشه‌نگاران اروپایی در ترسیم سیمای جغرافیای طبیعی مکران ضبط شده، شبکه وسیعی از رودخانه‌ها است. برخی رودها حضور پُرننگی در نقشه‌های تاریخی دارند و نقشه‌نگاران با نام‌گذاری، آن‌ها را مشخص کرده‌اند. یکی از

مهم‌ترین رودهای مکران که در تمامی نقشه‌های قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم میلادی ترسیم شده، رودی به نام ایل‌بند است. از منظر موقعیت جغرافیایی، شاخه‌ای از این رود از نزدیکی‌های سیستان سرچشمه گرفته، بعد از ورود به مکران شاخه‌ای دیگر از شرق به آن اضافه شده، پس از آن به دریای عمان می‌ریزد (نقشه شماره ۱۲). تشابه لفظی این رود با رود هیرمند در سیستان جای تأمل دارد. در متون جغرافیایی و تاریخی دوره صفوی و حتی پیشاصفوی اشارات متعددی به یکی از رودهای مهم مکران شده، اما با این اسم از آن یاد نشده است. علاوه بر این، رودهای فرعی سیلابی زیادی در مکران وجود دارد که در نقشه‌ها به صورت پراکنده قابل مشاهده است.

سومین مشخصه جغرافیای طبیعی مکران که هم در متون تاریخی و جغرافیایی و هم در نقشه‌های تاریخی گزارش‌هایی از آن ضبط شده، این است که بخش‌هایی از مکران و مناطق پیرامون آن بیابانی است. در متون جغرافیایی سده‌های نخست تا میانه اسلامی، گزارش‌های متعددی از بیابان‌های مکران و اطراف آن ارائه شده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۹۱؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴۱؛ بکران، ۱۳۴۲: ۶۵). مستوفی بافقی در دوره صفوی در توصیف بخشی از جغرافیای مکران که بیابانی است، چنین آورده: «صحاری چون تیه حضرت کلیم از آب و گیاه خالی» (مستوفی بافقی، ۱۳۹۶: ۳۵۷). در اغلب نقشه‌های تاریخی نیز بیابان‌هایی در اطراف مکران مشاهده می‌شود. به عنوان مثال: در نقشه‌ای از ریچارد بلوم که در سال ۱۶۷۰ م. ترسیم شده، از دو بیابان در امتداد شمال غرب تا غرب مکران یاد شده است. بیابان اول، بیابان لوت (Desert of Lut) است (نقشه شماره ۱۳). این بیابان از منظر موقعیت جغرافیایی از دامنه جنوبی کوه‌های البرز شروع می‌شد (لسترینج، ۱۳۷۷: ۳۴۵). بر اساس نقشه تاریخی ریچارد بلوم، حدود جنوب شرقی آن تا نزدیک مکران امتداد پیدا می‌کرد (نقشه شماره ۱۳). همچنین در حدفاصل بین مکران تا کرمان نیز در نقشه‌ها بیابانی مشاهده می‌شود (نقشه شماره ۱۳). این بیابان در دیگر نقشه‌های تاریخی اروپاییان با حالت‌های دیگری در امتداد شمال تا غرب مکران در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال: در نقشه‌ای از قاره آسیا که توسط سنکس انگلیسی ترسیم و در سال ۱۷۲۱ میلادی در لندن چاپ شده، در مرزهای شمالی تا غربی مکران نه تنها بیابانی توصیف شده، بلکه نقشه‌نگار با حالت نوشتاری مسافت این بیابان را ده روز عنوان کرده است (نقشه شماره ۱۴).

	
<p>نقشه شماره ۱۳ - مکران و بیابان‌های آن نقشه ریچارد بلوم (Richard Blome) انگلیسی (Alai,) (2010: 182)</p>	<p>نقشه شماره ۱۲ - مکران و رودهای آن نقشه جان سنکس (John Senex) انگلیسی (Davidrumsey.com)</p>
	
<p>نقشه شماره ۱۴ - مکران و بیابان‌های آن نقشه جان سنکس (John Senex) انگلیسی (Davidrumsey.com)</p>	

۶. آبادی‌ها و بندرها مکران

گسترده‌گی سرزمینی مکران و پیوند آن با دریا و همچنین داشتن آب و خاک مساعد در برخی مناطق آن و در نتیجه رونق کشاورزی و قرار گرفتن بر سر راه‌های تجاری که دارای موقعیت ارتباطی بوده‌اند، زمینه ایجاد و توسعه آبادی‌ها و بندرها متعددی در مکران را فراهم ساخته بود. نخستین توصیفات دقیق از ذکر نام شهرها و آبادی‌های مکران در برخی از منابع سده‌های نخست اسلامی مانند اصطخری، حدودالعالم و غیره آمده است. در سده‌های میانه اسلامی همچنان جغرافی دانان به اقتباس از توصیفات جغرافی دانان قبلی به آبادی‌های مکران اشاره کرده‌اند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۹۲-۳۹۹).

در منابع جغرافیایی برجای مانده از دوره صفوی گزارش چندانی از ذکر شهرها و بندرها مکران باقی نمانده، اما نقشه‌نگاران اروپایی، آبادی‌ها و بندرها مکران را به طور مفصل ثبت و ضبط کرده‌اند. واکاوی آبادی‌ها و بندرها مکران در نقشه‌های تاریخی نشان

می‌دهد که نقشه‌نگاران از دو الگوی متفاوت در توصیف آبادی‌ها و بندرها مکران استفاده کرده‌اند. الگوی اول از نظر زمانی نقشه‌های قرن شانزدهم میلادی تا نیمه‌های قرن هفدهم میلادی را شامل می‌شود. در نقشه‌های این دوره زمانی از آنجا که نقشه‌نگاران عموماً از تعیین مرزهای چهارگانه مکران امتناع کرده‌اند، ردیابی آبادی‌ها و بنداری که در تصور نقشه‌نگاران در درون مکران قرار داشتند، کاری دشوار به نظر می‌رسد. برای بازنمایی آبادی‌ها و بندرها مکران در این الگو، نقشه ایران در دوره صفوی از سانسون فرانسوی که در سال ۱۶۵۲ م. چاپ شده مبنای تحلیل و ارزیابی این دسته از نقشه‌ها قرار گرفته است (نقشه شماره ۱۵). الگوی توصیفی این دسته از نقشه‌ها درباره آبادی‌ها و بندرها دارای چند نکته اساسی است. اول اینکه میزان توصیف آبادی‌ها و بندرها در مکران کم هست و نقشه‌نگاران تنها به توصیف تعداد محدودی از آبادی‌ها و بندرها مکران پرداخته‌اند. دوم اینکه بیشتر این آبادی‌ها و بندرها توصیف شده، گمنام هستند و چندان در منابع تاریخی و جغرافیایی دیگر برای مکران بازتاب پیدا نکرده‌اند و چندان روشن نیست که ملاک توصیف چنین آبادی‌ها و بنداری چه منابعی بوده است. از آنجا که این دسته از نقشه‌ها ابتدایی‌تر و شناخت نقشه‌نگاران کمتر بوده، میزان خطا و اشتباه در این دسته از نقشه‌ها بیشتر است. به عنوان مثال: در نقشه سانسون، بندر گوادر در خارج از محدوده ایالتی مکران قرار گرفته و در محدوده ایالتی کرمان تعریف شده است (همان نقشه).



نقشه شماره ۱۵ - آبادی‌ها و بندرها مکران در الگوی توصیفی اول نقشه نیکولاس سانسون (Nicolas Sanson) فرانسوی (Alai, 2010: 101)

الگوی توصیفی دوم نقشه‌هایی را شامل می‌شود که تقریباً از میانه قرن هفدهم تا قرن هجدهم میلادی ترسیم شدند. در این دوره زمانی، تصور و آگاهی نقشه‌نگاران در قبال آبادی‌ها و بندرها مکران دقیق‌تر شده است. یکی از نمونه‌های برجسته این نقشه‌ها،

نقشه ایران از گیوم دولیل فرانسوی است که در نیمه اول قرن هجدهم میلادی ترسیم شده است. در این نقشه، در قلمرو ایالتی مکران شهرها و آبادی‌های زیادی با عناوین: فهلفره، دارک، فیروزآباد، کیچ، قندابلی، قصدار، اسپکه، بند، قصرقند، بدهه، هور و غیره نام برده شده است (نقشه شماره ۱۶).

شمالی‌ترین شهر توصیف شده در مکران بر اساس نقشه گیوم دولیل، فهلفره (Fahalfahara) است (همان نقشه). به نظر می‌رسد این جای نام همان بمپور و ایرانشهر در مرکز بلوچستان کنونی باشند. از این دو شهر در منابع تاریخی با عناوین: فهرج، فهلفره، بنپور، بربور، پل‌پهره و غیره نیز یاد شده است. منظور از پهره یا فهرج ایرانشهر بوده و منظور از فهلفره، بربور و پل‌پهره، بمپور است. در منابع دوره صفوی نیز این شهر به عنوان یک مرکز سیاسی و ارتباطی با نام بن‌فهل (سیستانی، ۱۳۴۴: ۵۰۵) و بن فول (منجم، ۱۳۶۶: ۳۷۱) ذکر شده است.

از دیگر شهرهای توصیف شده در نقشه گیوم دولیل فرانسوی، شهر کیچ است که به صورت (Kidje) ضبط شده و از منظر موقعیت جغرافیایی در امتداد جنوب شرقی فهلفره قرار دارد (نقشه شماره ۱۶). این شهر امروزه با مرکزیت تربت در جنوب غرب پاکستان و در نزدیک مرزهای ایران در شمال بندر گوادر قرار دارد و در طول تاریخ نام آن به صورت‌های مختلفی همچون کیچ، کچ، کیچ و معرب کیز ذکر شده است (صفرزایی، ۱۳۹۴: ۱۰۴۵). از این منطقه در متون جغرافیایی و تاریخی دوران اسلامی به عنوان مرکز سیاسی مکران یاد شده است (بیهقی، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۶). کیچ به حدی اهمیت داشته که نویسندگان قرون سیزده تا پانزده میلادی و حتی مورخان دوره صفوی برای تسمیه تمام ایالت مکران، کلمه کیچ و مکران را با هم استعمال می‌کردند (روملو، ۱۳۸۴: ۱۱۸۱/۲؛ سیستانی، ۱۳۴۴: ۵۰۴؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۲۱۸).

یکی دیگر از آبادی‌های توصیف شده در نقشه گیوم دولیل، فیروزآباد است که به صورت «Firabus» در نقشه ضبط شده است (نقشه شماره ۱۶). فیروزآباد در متون دوره صفوی با لفظ فیروز (مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۸۳) و یا همان فیروزآباد (سیستانی، ۱۳۴۴: ۵۰۵) ضبط شده است. به نظر می‌رسد که این منطقه توصیف شده در نقشه گیوم دولیل، همان دهستان فیروزآباد در شهرستان راسک باشد. دیگر آبادی توصیف شده مکران در این نقشه، آبادی اسفکه (Asfaca) در امتداد جنوب غربی فهلفره است (نقشه شماره ۱۶). این منطقه در متون جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی نیز ذکر شده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۳). به

نظر می‌رسد گیوم دولیل در ضبط این جای‌نام از منابع سده‌های نخستین اسلامی بهره برده است.

بند (Band) از دیگر آبادی‌های توصیف‌شده در نقشه گیوم دولیل است که در غرب اسپکه قرار دارد (نقشه شماره ۱۶). مقدسی در قرن چهارم هجری از این منطقه به عنوان یکی از شهرهای مکران با همان لفظ «بند» یاد کرده که با اصفه یک مرحله مسافت داشته است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۱۲/۲). از نظر موقعیت جغرافیایی به نظر می‌رسد که این جای‌نامی که در نقشه گیوم دولیل با نام بند ضبط‌شده، همان بنتِ امروزی در محدوده شهرستان نیکشهر است.

قصرقند (Casr Band) از دیگر جای‌نام‌های موجود در نقشه گیوم دولیل است که در غرب مکران ضبط شده است (نقشه شماره ۱۶). این جای‌نام در منابع جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی نیز بازتاب پیدا کرده است. اصطخری و ادریسی از آن با همان عنوان قصرقند یاد کرده‌اند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۷؛ ادریسی، ۱۴۰۹: ۱۶۶/۱). نام این آبادی و موقعیت جغرافیایی آن در نقشه گیوم دولیل با قصرقند امروزی مطابقت دارد. از دیگر جای‌نام‌های موجود در مکران بر اساس نقشه گیوم دولیل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: شهر قندابیل در شرق مکران که به صورت (Candail) یا (Candavil) ضبط‌شده، آبادی دارک یا همان دزک یا سراوان امروزی که به صورت (Darec)، قصدار در شرق مکران به صورت (Kozdar)، بندر تیس (Tiz) و گوادر (Guadel) در سواحل مکران و همچنین قنبلی به صورت (Kambele) در نقشه ترسیم شدند (نقشه شماره ۱۶). علاوه بر موارد ذکرشده، دو جای‌نام دیگر در نقشه گیوم دولیل در محدوده ایالتی مکران توصیف‌شده که به نظر می‌رسد با گزارش مربوط به این منطقه که توسط استرابو در نقشه باستان ذکرشده، پیوستگی دارد. یکی آبادی هور (Hour) در مرکز مکران است (نقشه شماره ۱۶) که به نظر می‌رسد منظور آن همان سرزمین قوم اوریتی یا هوریتی‌ها در گزارش استرابو است (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۰۶). جای‌نام دیگر در نزدیک سواحل غربی مکران با عنوان آرابا (Araba) است (نقشه شماره ۱۶). استرابو در این محدوده از قومی به نام ارابی نام برده است (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۰۶). در مجموع نقشه‌های نقشه‌نگارانی همچون گیوم دولیل از آبادی‌ها و بندرها مکران، نشان می‌دهد که نقشه‌نگاران برای بازنمایی چنین آبادی‌ها و بندرهایی از منابع نقشه باستان، منابع جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی و همچنین گزارش سیاحان و سفیران دوره صفوی استفاده می‌کردند.



نقشه شماره ۱۶ - آبادی‌ها و بندرها مکران نقشه گیوم دولیل (Guillaume Delisle) فرانسوی (Davidrumsey.com)

شرح آبادی‌ها و بندرها مکران

آبادی‌ها و بندرها مکران در الگوی توصیفی شماره ۱		آبادی‌ها و بندرها مکران در الگوی توصیفی شماره ۲	
نام آبادی یا بندر در نقشه‌ها	نام امروزی	نام آبادی یا بندر در نقشه‌ها	نام امروزی
Fahalfahar	بمپور	Mackeran	مکران
Darec	سراوان	Sindu	سند
Firabus	فیروزآباد / راسک	Pasir	؟
Kidje	کیچ / تربت	Chichmeran	کیچ مکران
Band	بنت	Bilguri	؟
Asfaca	اسپکه	Daragsi	سراوان
Casr Band	قصرقند	Eugan	؟
Nodha	؟	Guadel	گوادر
Tiz	تیس	Haur	سرزمین اوریتی‌ها
Kambele	قنبلی	Araba	سرزمین آرابا
Candail	قندابیل	Kozdar	قصدار

۷. ویژگی‌های انسانی و جمعیتی مکران

درباره گروه‌های جمعیتی و نژادی قدیم مکران متأسفانه مطالعات دقیقی انجام نشده و منابع موجود در این باره کم و ناچیز هستند. اندک توصیفات قومی و نژادی از اهالی این سرزمین در منابع یونانی و رومی، ذکر نام اقوامی است که ناآشنا به نظر می‌رسند. از سده‌های نخست اسلامی توصیفات دقیق‌تری از اقوام و اهالی این منطقه در منابع باقی

مانده است. از اقوامی مانند زط، سیابجه و اندگار بلاذری یاد کرده است (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۲۲-۵۲۳). در مناطق غربی مکران از بلوچ‌ها نیز ابن حوقل یاد کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۵). از قوم کوچ نیز در مرزهای مکران و کرمان یاد شده است. البته ابن خردادبه در توصیف راه‌ها در مناطق مرکزی و شرقی مکران از مقاطعه‌البلوص یاد کرده (ابن خردادبه، ۱۹۸۸: ۵۵) که نشانی از قوم بلوچ در این منطقه است. علی‌رغم اینکه در خصوص منشأ نژادی بلوچ‌ها داستان‌های متعددی روایت شده، به نظر می‌رسد بلوچ‌ها یکی از قدیمی‌ترین اقوام ساکن در این منطقه باشند. البته در ابتدا اقوام دیگری نیز در این منطقه سکونت داشتند، اما به تدریج زبان و فرهنگ بلوچی بر آن‌ها غلبه کرده و هویت بلوچی بر این سرزمین اطلاق شده است. به گزارش برخی سفرنامه‌های دوره صفوی نیز مردم بندر گوادر از قوم بلوچ بودند (کاتبی، ۱۳۵۵: ۵۱).

یکی از جالب توجه‌ترین اطلاعات موجود درباره مکران در نقشه‌های تاریخی اروپایی، نمایاندن گروه‌های قومی و جمعیتی بلوچ هست. از منظر نقشه‌های تاریخی اروپاییان، نام بلوچ‌ها برای اولین بار در نقشه‌های سال‌های نخستین قرن هجدهم میلادی ظاهر شده است. در نقشه‌ای از گیوم دولیل فرانسوی در سال ۱۷۰۱ م؛ که منطقه عثمانی، عربستان و ایران را نشان داده در شرق منطقه مکران و در امتداد مرزهای ایران و هند از اصطلاح «BULLOQUES» استفاده شده که همان اصطلاح بلوچ‌ها است (نقشه شماره ۱۷). در یکی از نقشه‌هایی که توسط نقشه‌نگاران هلندی ترسیم شده و مربوط به سال ۱۷۱۸ م. است، همانند نقشه گیوم دولیل در شرق مکران و در امتداد مرزهای ایران و هند در دوره صفوی از اصطلاح «BULLOQUES» استفاده کرده است (نقشه شماره ۱۸). علاوه بر موارد ذکر شده، مهم‌ترین نقشه‌ای که در آن اصطلاح قومی و جمعیتی بلوچ کاربرد داشته، نقشه ایران از گیوم دولیل فرانسوی است. گیوم دولیل در این نقشه از دو جای نام برای نمایاندن گروه قومی و جمعیتی بلوچ‌ها استفاده کرده است. جای نام اول همانند دو نمونه قبلی در شرق مکران در درون مرزهای آن از اصطلاح «BALLUCHES» استفاده نموده است (نقشه شماره ۱۹). علاوه بر مورد ذکر شده، ویژگی منحصر به فرد این نقشه در باب استفاده از نام بلوچ‌ها نسبت به نقشه‌های قبلی، استفاده از یک عبارت در مرکز مکران است که به مکان استقرار گروه‌های قومی و جمعیتی بلوچ در این منطقه اشاره دارد. این عبارت به شرح ذیل: «habite par les Balluches ou Bullodges nation feroce et»

«guerriere» به معنای محل سکونت بلوچ‌ها؛ قومی سخت‌کوش و جنگجو است (همان نقشه).

در مجموع بر اساس برآورد نقشه‌های تاریخی اروپاییان، نام بلوچ‌ها در نمونه‌هایی از نقشه‌های تاریخی ثبت و ضبط شده است. توجه نقشه‌نگاران به ضبط نام بلوچ‌ها حتی در نقشه‌های آسیایی و عدم ذکر نام گروه‌های قومی و جمعیتی دیگر در مکران نشان می‌دهد که در تصور نقشه‌نگاران، بلوچ‌ها قوم غالب در این منطقه را تشکیل می‌دادند.



نقشه شانلان هنری (Chatelan Henri) هلدنی نقشه شماره ۱۸ (Davidrumsey.com)

نقشه شماره ۱۷ گیوم دولیل (Guillaume Delisle) فرانسوی (Davidrumsey.com)



نقشه شماره ۱۹ گیوم دولیل (Guillaume Delisle) فرانسوی (Davidrumsey.com)

۷. نتیجه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای مناسبات متعدد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و اروپا در دوره صفوی و همچنین تحولاتی که از قرن شانزدهم در اروپا آغاز شد، ترسیم نقشه‌های تاریخی فراوان از ایران آن روزگار توسط نقشه‌نگاران اروپایی بود. نقشه‌نگاران اروپایی در آن زمان با اهداف گوناگون و با استفاده از متون تاریخی و جغرافیایی قدیم و همچنین اطلاعات سفیران، سیاحان، سفرنامه‌نویسان، بازرگانان و غیره در ترسیم نقشه‌های ایران

دوره صفوی اطلاعات قابل توجهی را نمایان ساختند. از مهم‌ترین موارد استفاده از این دسته از نقشه‌ها، تحقیق پیرامون ایالت‌های دور از مرکز و مرزی صفویان است که در منابع دوره صفوی توصیفات کمتری از آنها باقی مانده است. یکی از ایالت‌های مهم دور از مرکز و مرزی ایران در آن دوره، ایالت مکران در جنوب شرق ایران بود. بر اساس نقشه‌های تاریخی اروپاییان، مکران از لحاظ جغرافیایی و تاریخی به عنوان یک ایالت ایرانی از ایالات شرقی قلمرو صفویان، در نظر گرفته شده است. در نقشه‌های تاریخی قرن ۱۶ م، حدود شرقی مکران و به طور کلی مرزهای شرقی صفویان در این جبهه تا رود سند امتداد پیدا می‌کرد. مطابق نقشه‌های قرن ۱۷ و ۱۸ م، همچنان مکران به عنوان یک ایالت مرزی در شرق قلمرو صفویان در پیوند با تاریخ ایران توصیف شده است. منابع و وقایع دوره صفوی نیز بیانگر آن هستند که مکران در محدوده مرزهای ایران قرار داشت. البته نقشه‌های تاریخی اروپاییان در قرن شانزدهم بیشتر توصیفات کلی از مکران بر اساس اطلاعات منابع جغرافیایی قدیم ترسیم نمودند. از قرن هفدهم به بعد اطلاعات ارائه‌شده در نقشه‌ها درباره مکران دقیق‌تر می‌شود و در نقشه‌های این قرن و به خصوص قرن هجدهم اطلاعات دقیق و حتی جزئی از مکران در موضوعات متعددی از جمله: مسائل سیاسی، مرزی، اداری، طبیعی، راه‌ها، شهرها، بندرها، اقتصادی، انسانی و غیره ثبت و ضبط شده است. استفاده از این نقشه‌ها در تحقیقات مکران‌شناسی بسیاری از زوایای پنهان و تاریک مکران در آن دوره را نمایان خواهد ساخت و علاوه بر آن افق‌های جدیدی برای محققان مکران‌شناسی خواهد گشود.

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، سفرنامه ابن حوقل؛ ایران در صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابن خردادبه، المسالك و الممالك، وضع مقدمه و هوامسه و فهارسه محمد مخزوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۸.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ادریسی، محمد بن محمد، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، جلد ۱، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۰۹.
- استرابو، جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیرفرمان هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۲.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالك و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.

- اکبرزاده، داریوش، کتیبه‌های پهلوی اشکانی (پارتی) (با طراحی گرافیکی)، تهران، پازینه، ۱۳۸۲.
- بکران، محمد بن نجیب، جهان‌نامه، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران، کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۴۲
- بلاذری، ابو الحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۳۷
- بیهقی، محمد بن حسین، تاریخ بیهقی. مقدمه، تصحیح، تعلیقات و توضیحات محمد جعفر یاحقی، تهران، سخن، ۱۳۸۸.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، به تصحیح حمید شیرانی، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۳۶.
- تنوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی، تاریخ الفی، جلد ۸، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشگران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تعلیقات فیروزی منصوری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- دلاواله، پیترو، سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- دیودور سیسیلی، ایران و شرق باستان در کتابخانه تاریخی، ترجمه و حواشی از حمید بیخس شورکایی و اسماعیل سنگاری، تهران، جامی، ۱۳۸۴.
- روملو، حسن، احسن التواریخ، مصحح عبدالحسین نوایی، جلد ۲، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
- سپاهی، عبدالودود، بلوچستان در عصر قاجار، قم، گستان معرفت، ۱۳۸۵.
- سیستانی، ملک شاه حسین، اعیان الملوک، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- شاردن، ژان، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، جلد ۲، تهران، توس، ۱۳۷۲.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی، مجمع الانساب، مصحح هاشم محدث، جلد ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- صفرزایی، عبدالله، «مکران»، دانشنامه خلیج فارس، شورای علمی دانشنامه خلیج فارس، جلد ۲، تهران، بنیاد دانشنامه‌نگاری، ۱۰۴۴-۱۰۴۶، ۱۳۹۴.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک، بیروت، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۵.
- فروزانی، ابوالقاسم «جغرافیای تاریخی مکران»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره چهارم، شماره ۵، ۱۷۳ - ۱۹۰، ۱۳۹۱.
- کاتبی، سیدی علی، مرآت الممالک، ترجمه محمود تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- گنجی، محمدحسن و همکاران، وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی، تهران، بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۶.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مستوفی بافقی، محمد مفید، مختصر مفید، به کوشش ایرج افشار و محمدرضا ابوی مهریزی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۹۶.

مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۶.
مشیزی، میر محمدسعید، تذکره صفویه کرمان، به تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم، ۱۳۶۹.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، جلد ۱، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۸۵.

منجم، ملا جلال، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶.
وثوقی، محمدباقر و منصور صفت‌گل، اطلس تاریخ بندرها و دریانوردی ایران، جلد ۱ و ۳، تهران، سازمان بندرها و دریانوردی، ۱۳۹۶.

هرودوت، تاریخ هرودوت. ترجمه هادی هدایتی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

Alai, Cyrus, *General Maps of Persia*, second revised edition, Library of congress cataloging-in-publication data, Brill Leiden Boston, 2010.

Nordenskjöld, Baron A.E., *The influence of the Travels of Marco Polo on Jacobo Gastaldi's map of Asia*, the Geographical Journal Vol.13, No.4, pp. 396-406, 1899. Davidrumsey.com.